

## گفت‌وگوی متن با مخاطب و بالعکس در نامه ٥٣ نهج البلاغه با تکیه بر منطق گفت‌وگویی باختین

مریم بخشی\*<sup>١</sup> (استادیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران)  
علی محمدزاده احمدی<sup>٢</sup> (دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز)

DOI: [10.22034/jilr.2024.140786.1140](https://doi.org/10.22034/jilr.2024.140786.1140)



تاریخ الوصول: ٢٠٢٤/٠٢/٢٢

تاریخ القبول: ٢٠٢٤/٠٦/٢١

صفحات: ١٩٩-٢١٨

تاریخ دریافت: ١٤٠٢/١٢/٠٣

تاریخ پذیرش: ١٤٠٣/٠٤/٠١

### چکیده

نظریه چند صدایی باختین خوانش جدیدی از متن ارائه کرده و مخاطب را به کشف لایه‌های درونی، آواهای گوناگون و گاه پنهان و ناگفته‌های متن رهنمون می‌کند تا فضای تک صدایی حاکم بر جامعه را بر هم زند و جامعه‌ای چند آوایی همراه با گفتگوهای متنوع پدید آورد. از این رو، این جستار ضمن واکاوی مفاهیم کلیدی منطق مکالمه و چند صدایی باختین به شیوه تحلیلی - توصیفی، به تطبیق و تبیین مکالمه متن با مخاطب و مخاطب با متن در نامه ٥٣ امام (ع) می‌پردازد. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که این نامه از شاخصه‌های منطق گفتگویی چون: گفتار دو سویه، کرونوتوپ، کارناوال، گزاره‌های ندایی، گفتگو با گروه‌های مختلف، آوای الفاظ، پیوند نویسنده با خواننده و برعکس پیوند مخاطب با متن برخوردار است؛ بدین معنا که هر چند نمی‌توانیم منکر حضور غالب امام (ع) در این نامه باشیم اما آنچه اینجا بیشتر مورد توجه است، تعامل میان اظهارات چند صدایی است که در کلام امام (ع) نمود یافته و به کمک نظریه چند صدایی باختین قابل شناسایی است و زمینه ساز ایجاد گفتمان‌های فرازبان‌شناسی هستند.

**کلید واژه‌ها:** منطق گفت‌وگو، میکائیل باختین، نهج البلاغه، امام علی (ع)، نامه ٥٣

<sup>١</sup> نویسنده مسؤول؛ پست الکترونیک: m.bakhshi8@gmail.com

<sup>٢</sup> پست الکترونیک: ali\_mohamadzadeh2010@yahoo.com

## حوار النص مع الجمهور وبالعكس في الرسالة ٥٣ من نهج البلاغة على أساس المنطق الحواري لبختين

### الملخص

نظرية باختين المتعددة الأصوات تعطي قراءة جديدة للنص وترشد الجمهور إلى اكتشاف الطبقات الداخلية والأصوات المختلفة والمخفية أحيانا وغير المنطوقة للنص من أجل تعطيل الأجواء الأحادية التي تسيطر على المجتمع والمجتمع وأبدع عدة أصوات جنبا إلى جنب مع المحادثات المختلفة. لذلك، أثناء تحليل المفاهيم الأساسية لمنطق التخاطب وتعدد الأصوات عند باختين، بطريقة وصفية تحليلية، يقارن هذا الباحث ويشرح حوار النص مع المستمعين والمستمعين مع النص في الرسالة ٥٣ للإمام (ع). وتظهر نتيجة البحث أن هذه الرسالة تتمتع بخصائص منطق الحوار مثل: الكلام في اتجاهين، الكرونوتوب، الكرنفال، القضايا الصوتية، المحادثة مع مجموعات مختلفة، صوت الكلمات، الارتباط بين المؤلف والقارئ، و والعكس هو الارتباط بين المستمع والنص، وهذا يعني أنه وإن كنا لا نستطيع إنكار الحضور المهيمن للإمام (ع) في هذه الرسالة، إلا أن الأهم هنا هو التفاعل بين أقوال عدة أصوات ظهرت في الرسالة. كلام الإمام (ع) ويمكن فهمه بالاستعانة بالنظرية البوليفونية، وهي التماهي وهي الأساس في خلق الخطابات ما وراء القصية وما وراء النص.

**الكلمات المفتاحية:** منطق المحادثة، ميكائيل باختين، نهج البلاغة، الامام على (ع)، الرسالة ٥٣

## مقدمه

میخائیل میخایلوویچ باختین<sup>۱</sup> (۱۸۹۵-۱۹۷۵) فیلسوف و متخصص ادبیات روسی است که آثار تأثیرگذاری در حوزه نقد و نظریه ادبی و بلاغی نوشته است. او برجسته‌ترین دانشمند در شوروی در گستره علوم انسانی و بزرگ‌ترین نظریه پرداز ادبیات در سده بیستم است. از دیدگاه او «اجتماع» با ظهور شخص دوم آغاز می‌شود و اجتماعی بودن، به نوعی پذیرش تقدم منطقی بینادهنی بر ذهنیت است. وجود انسان در اصل و اساس اجتماعی است و تقلیل آن به جوانب زیست شناختی به معنای محروم کردنش از خصایص انسانی است. (تودورف، ۱۳۷۷: ۶۷) باختین در نظریه‌های ادبی خود، به خوبی نشان داده است که دیالوگ، اساس زبان است، ولی همواره امکان تبدیل آن به مونولوگ وجود دارد. دیالوگ به روی تفکر و آزادی گشوده است، در حالی که مونولوگ واجد خصلتی استبدادی و سرکوب‌گرانه است. باختین از اصطلاح «موقعیت‌مندی» در تعریف گفتار استفاده می‌کند. به نظر او، گفتارها موقعیت‌مند هستند و معنای اصیل آنها را باید در موقعیت رُخدادشان درک کرد. همه گفتارها در پاسخ به گفتارهای پیشین بیان می‌شوند و معطوف به مخاطب هستند به این معنا، زبان از طریق تعامل اجتماعی در زمینه آموخته می‌شود. گفتار پدیده‌ای اجتماعی است و خصلت آن از دو چیز ناشی می‌شود؛ اولاً: گفتار، در خطاب به کسی ادا می‌شود ثانیاً: گوینده خود، موجودی اجتماعی است. این ارتباط و عمل متقابل گفتاری و کلامی، به نظر باختین بنیادی ترین خصیصه زبان است. (انصاری، ۱۳۸۴: ۶۸)

مطالعات مربوط به زبان و ادبیات همواره به دو شکل «متن محور» و «فرامتن محور» صورت می‌پذیرد. میخائیل باختین به روابط فرازبانی توجه خاصی دارد و نظرات او در حیطه مباحث فرامتن قرار می‌گیرد. او با انتقاد از اندیشه‌های متن محور ابتدای قرن مانند زبان شناسی سوسوری، صورت گرایان، سبک شناسی، روان شناسی فرویدی و فلسفه ایدئالیستی که همگی در مطالعه آثار صرفاً به زبان محدود می‌شدند، ایده «فرازبان شناختی» خود را ارائه کرد. این طرح، انقلاب بزرگی در مطالعات ادبی/هنری و روابط اجتماعی آن‌ها ایجاد کرد؛ زیرا باختین به نقش اجتماع و اقشار مختلف جامعه در شکل‌گیری زبان و ادبیات توجه خاصی داشت و ارتباط و هماهنگی با زندگی اجتماعی برای باختین به عنوان یک اصل درآمد (نامور مطلق، ۱۳۹۴: ۶۵). «در نظر باختین متون چندصدا و گفتگو‌مند نشان دهنده استبداد و خفقان گفتگو در جامعه است و انسان که دارای طبع اجتماعی و جویای مکالمه و آزادی است، به جهت نقد واقعیت استبدادگونه، تمامیت خواه و تک صدا که مسبب نابودی گفتگو در جامعه شده است، به خلق متون چندصدا و گفتگو‌مند می‌پردازد. متونی که به طور موقت چنین تضادهای اجتماعی و طبقاتی را به حلت تعلیق درآورده و گروه و طبقات اجتماعی را در حلت تعامل و برابری قرار می‌دهد.» (شه‌کلاهی، و فهیمی فر، ۱۴۰۰) بنابراین

<sup>1</sup> - Mikhail Mikhailovich Bakhtin

شخصی که متون چندصدا خلق می‌کند، صدای «دیگری» را هم پذیرفته و در پی ایجاد گفتمان متعادل است که حضور و مشارکت همگانی را در پی دارد و فرصتی برای گفت و گوی هم سطح و برابر خلق می‌کند.

«منطق گفتگویی» باختین برای تحلیل جامعه‌شناسی آثار ادبی معیارهای مناسبی ارائه می‌دهد و در ارائه تحلیلی دقیق بسیار کارآمد و مؤثر است. این نظریه با توجه به اصل گفتگو به عنوان اولین عامل در شکل‌گیری یک تعامل اجتماعی مفید و سودمند، شاخصه‌های مکالمه‌گرایی و گفتگومداری را مدنظر قرار داده و معتقد است که سنجش میزان جنبه اجتماعی بودن اثری با توجه به شاخصه‌های گفتگویی از قبیل امری و پرسشی و ندایی و گفتاری سنجیده می‌شود؛ زیرا این شاخصه‌ها ارتباط متن با بیرون را می‌سنجد و این‌که چگونه یک کلام ادبی از درونگرایی به طرف بیرون گرایی حرکت می‌کند و اصلی‌ترین عامل برای طرح این مسیر و این ظرفیت گفتگو است.» (سناری و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۸) نظریه منطق گفت و گویی باختین، نظریه‌ای کارآمد برای بررسی چند صدایی متون دینی از جمله نهج البلاغه است، از جمله این موارد، نامه ۵۳ نهج البلاغه است که موضوع نامه فرمان انتصاب، قلمرو مأموریت، تعیین اهداف و بیان استراتژی‌های دولت اسلامی و تبیین وظایف و حدود اختیارات مالک بن حارث نخعی، در مقام والی مسلمانان، در یک حوزه مأموریت مشخص و معین است. با استناد به این نامه می‌توان به جرئت و با سرفرازی ادعا کرد که این نامه، علاوه بر این که از عالی‌ترین مضامین تربیتی برخوردار است، اولین قانون اساسی زمامداری و مدیریت بر پایه دین است و هیچ یک از بندها و فزازه‌های آن نه تنها در گذر زمان هرگز فرسوده و به فراموشی سپرده نشده و نخواهد شد؛ بلکه فراتر از آن می‌توان نامه ۵۳ نهج البلاغه را کتاب آیین حقوقی زندگی انسانی نیز نام نهاد. (ر.ک: قنبری همدانی، ۱۳۹۹) هدف مقاله حاضر آن است که با شیوه‌ای مبتنی بر توصیف و تحلیل نشان دهد که امام علی (ع) همچون باختین تحت تأثیر شرایط حاکم بر جامعه زمان خود، تک صدایی را در دوران حیاتش تجربه کرده و در نقش راهبر جامعه اسلامی، با استفاده هوشمندانه از منطق مکالمه، وضعیت چند صدایی را تبیین کرده و به نقد سطوح مختلف فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جامعه خود پرداخته و گفتمان تک صدا را به چالش کشیده است.

### ضرورت پژوهش

بررسی خطبه‌ها و نامه‌های امام علی (ع) در نهج البلاغه، به تحقیق جامعی نیاز دارند. علی‌رغم اینکه پژوهش‌های مختلفی درباره سخنان امام (ع) در نهج البلاغه صورت پذیرفته است اما بررسی آن، در پرتو نقد جامعه‌شناختی و استخراج عناصر منطق گفتگویی، به تحلیل عینی و ملموسی از

ظرفیت اجتماعی سخنان امام (ع) منجر می‌شود؛ به همین دلیل موضوع "گفتگو"، مهم‌ترین و اساسی‌ترین موضوع مقاله حاضر است.

### سوال‌های پژوهش

پژوهش حاضر با آگاهی از مؤلفه‌ها و عناصر منطق گفتگویی، برای تحلیل و شناخت میزان و نحوه به‌کارگیری آنها در صدد است نامه ۵۳ نهج البلاغه را از نظر منطق مکالمه و گفتگویی باختین مورد مطالعه قرار دهد تا پاسخی برای سوالات زیر بیاید:

۱. نامه ۵۳ نهج البلاغه از چه شاخصه‌های منطق گفت و گویی بهره برده است؟
۲. میزان بسامد هر کدام از عناصر منطق گفتگویی باختین در نامه ۵۳ چگونه است؟
۳. زمینه‌ها و دلایل بروز هر کدام از عناصر کدامند؟

### پیشینه پژوهش

در ارتباط با منطق مکالمه، پژوهش‌های فراوانی انجام گرفته است که ذکر آنها موجب اطلاله کلام می‌شود. برخی از پژوهش‌هایی که به نوعی با مقاله حاضر مرتبط هستند عبارتند از:

مقاله «تحلیل چندصدایی در قرآن کریم براساس نظریه منطق مکالمه میخائیل باختین» (۱۳۹۱)، اثر غلامرضا پیروز؛ اساس کار مقاله فوق این است که برخلاف دیدگاه نظریه‌پردازانی که قرآن کریم را متعلق به جوامع اساطیری و کلاسیک می‌دانند که نظام تک آوا را تقویت می‌کند، تلاش می‌کند نشان دهد که با توجه به ظرفیت‌ها و قابلیت‌های ماهوی قرآن کریم این اثر را باید یک کتاب چندآوا در نظر گرفت و نتیجه گرفته است که در جای جای این اثر متعالی، تئوری منطق مکالمه باختین قابل رصد و مشاهده است.

مقاله «کارکرد گفتگو در اشعار مقاومت محمود درویش بر مبنای نظریه گفتگومندی باختین»، مورد پژوهش شعر «جندی یحلم بالزنابق البیضاء» (۱۴۰۰) که نگارندگان (علی نظری و ساناز کندری) در آن تلاش کرده‌اند با استفاده از نظریه گفتگومندی باختین، به بررسی گفت و گوهای موجود در شعر «جندی یحلم بالزنابق البیضاء» محمود درویش بپردازند تا ضمن تبیین صداهایی که درویش در این شعر بازتابانده است، به تحلیل کارکرد این عنصر در ساختار متن شعری بپردازند. مقاله «چندصدایی و منطق گفتگو مداری بینامتنی در رمان ملوک الرمال اثر علی بدر» (۲۰۱۸)، علی افضلی و نسترن گندمی؛ نتایج این پژوهش، حاکی از آن است که تلفیق ژانرها و مکاتب ادبی و تعدد راوی‌ها، داستان را به سوی مفهوم گفتگومندی بینامتنی و چند صدایی سوق می‌دهد.

هم‌چنین بررسی‌های متعددی از خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه صورت گرفته است که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

مقاله «نقد و بررسی خطبه قاصعه نهج البلاغه در پرتو نظریه منطق گفتگویی باختین» (۱۳۹۸) که الهه ستاری و همکاران در آن، خطبه قاصعه نهج البلاغه را از منظر منطق گفتگویی باختین مورد مطالعه قرار داده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که خطبه قاصعه از تمامی شاخصه‌های منطق گفتگویی نظیر گفتار دو سویه، گزاره‌های پرسشی، امری، ندایی، تنبیهی، کرونوتوپ و کارناوال برخوردار است. تفاوت این مقاله با مقاله پیش رو، این است که این مقاله خطبه‌ای از نهج البلاغه را براساس نظریه منطق گفت‌وگویی باختین بررسی کرده و مقاله حاضر، نامه ۵۳ را که از نظر ماهیتی باهم تفاوت دارند، بررسی کرده است.

مقاله «بررسی ابعاد و مؤلفه‌های حفاظتی نامه ۵۳ نهج البلاغه» (۱۳۹۷) که توسط حامد فشی و حسن نبئی نگاشته شده است. نگارندگان در این بررسی، ابعاد و مؤلفه‌های حفاظتی را که حضرت به عنوان ویژگی‌های رفتاری یک حاکم اسلامی به والی خود سفارش کرده است، احصاء و تبیین کرده‌اند و نتیجه آن حاکی از این است که در میان ابعاد شش گانه حفاظتی، سه بعد حفاظت کارکنان، حفاظت اسناد و حفاظت امکان مورد توجه و تأکید امام علی (ع) در این نامه بوده است. در این میان حفاظت کارکنان با بیش‌ترین فراوانی مؤلفه‌ها در سرلوحه فرامین حضرت قرار دارد و در دو بعد دیگر نیز توجه اصلی حضرت بر عامل انسانی است و این خود می‌تواند دلیلی بر انسان ساز بودن مکتب ائمه اطهار باشد.

با توجه به پیشینه‌های ذکر شده تاکنون پژوهشی از نامه ۵۳ نهج البلاغه بر پایه نظریه باختین صورت نگرفته است و این پژوهش از این جهت تحقیقی نو قلمداد می‌شود که تاکنون کسی بدان نپرداخته است.

## پردازش تحلیلی موضوع

### منطق گفتگو

منطق گفتگو (دیالوژیسم) مفهومی است که از سوی میخائیل باختین ارایه شد و از نظر او تعاملی است که بین گفتار راوی اصلی و صحبت‌های دیگر شخصیت‌ها، یا بین دو گفتار درونی یک شخصیت شکل می‌گیرد. (sterian, 2015:2) از نظر باختین گفتگوگرایی، به طور کلی به گفتمان مربوط می‌شود و مشکل حضور دیگری را در گفتار تعیین می‌کند: گفتار در واقع فقط در یک فرآیند تعامل بین آگاهی فردی و دیگری ظاهر می‌شود، به او الهام می‌بخشد و به آن پاسخ می‌دهد.

باختین در مقالات خود زبان اثر را به عنوان کانال مهمی برای ورود به جهان اندیشه و سبک نویسنده مورد توجه قرار می‌دهد: «نباید کلمه زبان را به مفهوم خاصی معنا کنیم که زبان‌شاسان حرفه‌ای را به خود مشغول داشته‌اند. تمامی رده بندی‌های زبان که حامل مضامین اجتماعی ایدئولوژیک هستند، تا زمانی که زبان زنده است و فرایند سیورورت را طی می‌کند، بسط می‌یابد و تا

درونی‌ترین لایه‌های آن نفوذ می‌کند. (باختین، ۱۳۹۴: ۱۴) زیرا از نظر وی زبان، دانشی است که طرح آواها، نحو و معانی را در خود دارند و گفتار، محقق شدن آن در کسوت الفاظ است؛ لذا گفتار همه زبان نیست؛ بلکه اصل مطالعه قوانین و ساختار زبان است که در ذهن است. در بررسی منطق گفتگویی در سبک شناسی، اصل مطالعه قوانین و ساختار زبان است. (شمیسا، ۱۳۷۸: ۱۷۸)

تودوروف در خصوص اهمیت مقوله زبان و گفتار در اندیشه باختین به ویژه نظریه منطق گفتگویی می‌نویسد: «گفتار حاصل ارتباط متقابل گوینده با شنونده است که گوینده پیشاپیش واکنش شنونده را در فعالیت کلامی خود دخالت می‌دهد. باختین منطق مکالمه‌ای را در برابر نقد سبک شناختی که فقط به بیان فردی اهمیت می‌داد و زبان شناسی ساختارگرایی سوسوری که به صورت دستوری مجرد توجه داشت، مطرح کرد. او گفتار را موضوع مطالعه علم جدید زبان قرار داد و این علم را فرا زبان شناختی نامید. (تودوروف، ۱۹۳۹: ۹۰)

### چند صدائی

چندصدایی (پولی فونی) به حوزه تجزیه و تحلیل گفتمان مرتبط بوده و شیوه تعامل صداها با گفتگوهای راوی با صدای سایر شخصیت‌ها را نشان می‌دهد. (راباتل، ۲۰۰۶: ۶۰) به عبارتی می‌توان آن را به طور خلاصه به عنوان کثرت صداها و آگاهی‌های مستقل در داستان توصیف کرد که در آن نویسنده امکان احضار انواع صداها متعلق به راوی یا شخصیت‌ها را دارد. این صداها دیدگاه‌های مختلفی را معرفی کرده، می‌توانند یکدیگر را تکمیل، پشتیبانی یا نقض کنند.

باختین بر این باور است که هنگام کاربرد زبان، عملاً دو نیرو در حال تأثیرگذاری هستند. نیروی مرکزگرایز و نیروی مرکزگرا. نیروهای مرکزگرا تمایل دارند که همه چیز را به سمت یک نقطه کانونی بکشانند و نیروی مرکزگرایز، تمایل دارد که همه چیز را از یک نقطه کانونی در جهات مختلف بپراکند. او می‌گوید زبان تک صدا همچون نیروی مرکزگرا عمل می‌کند و چنین زبانی، نظامی از یک زبان استاندارد و یا رسمی است که همگان باید به آن زبان سخن گویند در حالی که چند آوایی، زبان را به سوی تکثر پیش می‌برد. (غلامحسین زاده و غلامپور، ۱۳۸۷: ۱۱۷)

توجه به دگرآوایی و فرایندهای مرکززدا در مواجهه و مقابله با گفتمان، وحدت‌گرا عمل می‌کند و توجه به تک آوایی و فرایندهای مرکزگرا، در تضاد با گفتمان کثرت‌گرا، تفسیر می‌شود. باختین، زبان شعری را از منظر تاریخی به عنوان زبان مرکزگرا و زبان رمان را به مثابه زبانی مرکزگرایز، مطرح می‌کند. رمان یا متن، زبان گفتگویی و چند صداست و در نتیجه مکانی برای مبارزه جهت غلبه بر گفته‌های تک صدا که ویژگی زبان رسمی است، می‌باشد. (مری کلیگز، ۱۳۸۹)

### نامه ۵۳ نهج البلاغه

کتاب نهج البلاغه، گزیده‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های حضرت علی (ع) است که توسط سید رضی در قرن چهارم هجری قمری براساس ذوق ادبی خویش فراهم آمده است. نامه ۵۳، نامه امام (ع) به مللک اشتر نعی معروف به «عهد»، جامع‌ترین و طولانی‌ترین پیمان‌نامه‌ای است که از جانب امیرالمومنین (ع) بر جای مانده است. این نامه در برگیرنده اساسی‌ترین مباحث در حکومت و مدیریت است؛ مباحثی شامل: مبانی، اصول، روش‌ها، سیاست‌ها و اخلاق حکومتی و مدیریتی آن هم با استوارترین و متین‌ترین زبان، زیباترین و لطیف‌ترین بیان و عمیق‌ترین و کاراترین فرمان، همان عهدی است که آن حضرت به هنگام برگزیدن مالک اشتر به ولایت مصر، برای وی نوشته و در این نامه پیرامون ادارات مختلف دولتی و حکومتی و شیوه‌های گوناگون مدیریت آنها سخن می‌گوید. امام (ع) در این نامه پیرامون ملت، حاکم، شورا، علماء، فرماندهی سپاهیان، لشکریان، مالیات، قضات، استقلال آن، کارگزاران و خواسته‌های آنان، گزینش رجال دولت و وزراء، طبقات جامعه، صنعت و تجارت و صلح و امثال آن سخن می‌گوید.

### ابعاد گفتگو و چندصدایی در نامه ۵۳ نهج البلاغه

در این بخش از مقاله، به بررسی ابعاد و عناصر مهم مکالمه و گفتگو در نامه «عهد» امام (ع) در نهج البلاغه پرداخته می‌شود:

#### مکالمه و گفتگوی مخاطب با نویسنده و متن

امام (ع) در بیان نامه، نسبت به آنچه اتفاق افتاده و یا در حال وقوع است و یا احیاناً اتفاق خواهد افتاد برای مخاطب و خوانندگان خود پرسش‌هایی را مطرح می‌کند. جواب مخاطب به این گونه پرسش‌ها، مکالمه مخاطب با متن و نویسنده را فراهم می‌سازد و صدایش را در کنار سایر صداهای موجود منعکس می‌کند؛ چرا که براساس دیدگاه باختین یکی از مهم‌ترین گزاره‌های تداعی کننده فضای مکالمه و گفتگو در یک اثر ادبی، به کارگیری تعبیر پرسشی است. از نظر باختین «پرسش، یکی از مهم‌ترین پایه‌های تداوم مکالمه است.» (احمدی، ۱۳۷۸: ۹۳)

زندگی در گوهر خرد گفتگویی است. زیستن یعنی شرکت کردن در گفتگو، یعنی پرسیدن، گوش دادن، پاسخ دادن، موافقت کردن. (تودوروف، ۱۹۳۹: ۱۸۴) هیچ گفته‌ای را در مجموعه نمی‌توان تنها به گوینده نسبت داد؛ زیرا گفته حاصل کنش متقابل بین افراد هم سخن است. در مفهوم وسیع‌تر، گفته، حاصل کل واقعیت اجتماعی پیچیده‌ای است که آن را احاطه کرده است.

گفتارها و سخنان امام (ع) در نامه ۵۳ حاصل ارتباط متقابل با خواننده و مخاطب است و در نهایت اینکه واکنش شنونده و مخاطب خود را در فعالیت کلامی دخالت می‌دهد. پرسش‌های امام (ع) بیش‌تر جنبه هستی‌شناسی، خودشناسی و انسان‌شناختی دارند که به شیوه استفهام‌انکاری



مطرح می‌شوند تا اینکه مخاطب و خواننده را به چالش بکشند و در صدد تداعی منطق گفتگویی هستند هرچند که گزاره‌های پرسشی در بیانات امام (ع) در مقایسه با گزاره‌های امری-ندایی و خطابی از بسامد پائین‌تری برخوردارند: «فَقِيمَ احتجائِكَ مِنْ وَاجِبِ حَقِّ تَعَطِيهِ؟ أَوْ فَعَلِ كَرِيمِ تُسَدِيهِ؟ (نامه/ ۵۳)؛ پس چرا خود را بپوشانی و حقّ واجبی را که به عهده توست نرسانی؟ یا کار نیکی را نکنی که بر انجام آن قادر و توانایی؟

چنین پرسش‌هایی از جانب امام (ع) برای هشدار و آگاهی توده مردم به کار رفته و از طرف دیگر تلاشی است برای ایجاد ارتباط با مخاطب و خواننده خود که توسط گزاره پرسشی محقق شده است تا اینکه از خواب غفلت بیدار شده رسالت خود را در قبال دین، جامعه، انسان‌های دیگر به خوبی انجام داده باشند.

گفتار در فرایند بین دو فرد اجتماعی ساخته می‌شود و اگر هم سخن و مخاطب واقعی در صحنه حاضر نباشد، گفتار با پیش فرض یک مخاطب، در لباس فرد متعارف گروهی اجتماعی که گوینده بدان متعلق است، آغاز می‌شود. سخن پیوسته به سوی فردی که مورد خطاب قرار می‌دهیم، به سوی شخصیت مورد خطاب، متوجه است.

علاوه بر طرح سوال از جانب امام (ع) به عنوان سوال کننده و توده مردم و مخاطبان سخن به عنوان سؤال شونده و با توجه و عنایت به تعلیمی بودن نامه امام (ع)، گاهی در نامه پرسش از شخصیت‌های درونی نامه دیده می‌شود؛ مانند پرسش خود امام (ع) از رسول خدا (ص) دیده می‌شود آنجا که می‌فرماید: «وَقَدْ سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حِينَ وَجَّهَنِي إِلَى الْيَمَنِ كَيْفَ أُصَلِّيَ بِهِمْ فَقَالَ: «صَلِّ بِهِمْ كَصَلَاةِ أَوْعَفِهِمْ وَكُنْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا» (نامه/ ۵۳) من از رسول خدا آن‌گاه که مرا به یمن فرستاد پرسیدم که با مردم چگونه نماز بگزارم؟ فرمود: در حدّ توانائی ضعیف‌ترین آنان نماز بگزار و بر مومنان مهربان باش. سوالات این‌چنینی که نشان از موجودیت منطق گفتگویی و دوری از تک‌گویی در کلام امام و مکالمه مخاطب با متن و نویسنده و پویایی نامه امام (ع) است. به بیان دیگر، امام علی (ع) از گزاره‌های پرسشی به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های اساسی دیالوگ در متن بطور گسترده بهره جسته است. هدف اصلی امام (ع) از این پرسش‌ها و سوال‌ها ایجاد ارتباط سازنده و عمیق با مخاطب است و مخاطبان امام، کل بشریت، توده مردم، مسلمانان، مومنان و احیاناً رهبران سیاسی و مذهبی هستند که در شاهد مثال اخیر علاوه بر اشاره به حالت و کیفیت اقامه نماز خطاب به رهبران جامعه اسلامی گوشزد کرده که با مومنان رؤف و مهربان باشند و نسبت به این مهم غفلت نورزند.

### مکالمه و گفتگوی نویسنده و خواننده

نامه ۵۳ نهج البلاغه از جانب امام (ع)، در فضایی در جریان است که امام (ع) از علم و دانش وسیعی در حوزه علوم الهی و دانش بشری بهره مند است؛ به گونه‌ای که همگان بر جایگاه برتر علمی امام (ع) معترف هستند و خطبه‌ها و نامه‌های آن حضرت که بخش‌هایی از آن در نهج البلاغه آورده شده است سند گویایی است بر این معنا که کلام ایشان فوق کلام مخلوق و دون کلام خالق است و خطاب به مالک اشتر نخعی و بسیاری از خواص و توده مردم است. تقریباً تمامی شخصیت‌های مورد خطاب امام (ع) در این نامه، دارای ایدئولوژی و نگاه خاص مستقل از آراء و افکار امام (ع) هستند. در نامه ۵۳ صدای شخصیت‌های مورد خطاب و اعمال و سخنان‌شان مغلوب صدای امام نیست؛ بلکه امام (ع) با بیان اوصاف و حالات درونی تنها مجالی پدید می‌آورد تا شخصیت واقعی آنان از طریق این مونولوگ شناسانده شود و صدای امام (ع) (نویسنده) و مورد خطاب (مالک) و خواننده (توده مردم) در کنار هم شنیده شوند؛ به عنوان نمونه آنجا که طبقات مختلف جامعه را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌گوید:

وَأَعْلَمُ أَنَّ الرَّعِيَةَ طَبَقَاتٌ لَا يَصْلُحُ بَعْضُهَا إِلَّا بِبَعْضٍ، وَلَا غِنَى لِبَعْضِهَا عَنْ بَعْضٍ. فَمِنْهَا جُنُودُ اللَّهِ. وَمِنْهَا كُتَّابُ الْعَامَّةِ وَالْخَاصَّةِ. وَفِيهَا قُضَاةُ الْعَدْلِ وَمِنْهَا عُمَّالُ الْإِنصَافِ وَالرَّفِيقُ وَمِنْهَا أَهْلُ الْجَزِيَةِ وَالخِرَاجِ مِنْ أَهْلِ الذَّمَّةِ وَمُسْلِمَةِ النَّاسِ. وَمِنْهَا التَّجَارُ وَأَهْلُ الصَّنَاعَاتِ. وَمِنْهَا الطَّبَقَةُ السُّفْلَى مِنْ ذَوِي الْحَاجَةِ وَالْمَسْكِينَةِ ... (نامه ۵۳)

ای مالک! آگاه باش که مردم، گروه‌های مختلف‌اند که هر گروه جز به گروه دیگر اصلاح نمی‌شود، و با داشتن گروهی از گروه دیگر بی‌نیاز نیست؛ اینان عبارتند از: ارتش حق، نویسندگان عمومی و خصوصی، و قاضیان عدل، مأموران انصاف و مدارا، و اهل جزیه و مالیات از غیرمسلمان و مسلمان، و تاجران و صنعت‌گران، و طبقه پائین از نیازمندان و افتادگان. امام (ع) با توصیف حالات درونی و اوصاف و اعمال هر یک از طبقات مختلف جامعه، نظرات خواننده نامه را در کنار نظرات خویش در مورد هر یک از شخصیت‌ها می‌پذیرد. و این امر به معنای آن است که جز صدای امام (ع) صدای دیگری در نامه به گوش می‌رسد.

### روش مکالمه در نامه

برای ایجاد زمینه دیالوگ یا هر گونه تضارب عقیده و فکر، دو شیوه وجود دارد:

۱. روش خشونت که در این روش، از سرزنش توهین، واژه‌های بد و تند و زشت استفاده می‌شود.
۲. روش مسالمت یا عطف که با استفاده از این روش معقول، از واژه‌های نرم و ملایم و روش‌های دلنشین استفاده می‌شود و از خصومت، منفی بافی و تعابیر ناپسند پرهیز می‌شود. (ر.ک: کریمی‌نیا، ۱۳۸۷: ۹-۷) که همین نکته مهم در نامه ۵۳ امام (ع) مورد تأکید قرار گرفته است آنجا که امام

(ع) می‌فرماید: «ثُمَّ احْتَمِلِ الْخُرْقَ مِنْهُمْ وَالْعِيَّ، وَنَحَّ عَنْهُمْ الضِّيْقَ وَالْأَنْفَ يَبْسِطِ اللَّهُ عَلَيْكَ بِذَلِكَ أَكْنَافَ رَحْمَتِهِ.» (نامه/ ۵۳) آنگاه خشونت و درست حرف نزدن آنان را تحمل کن، تنگ‌خویی و غرور و خودپسندی نسبت به آنان را از خود دور کن تا خداوند جوانب رحمتش را بر تو بگشاید.

و در جای دیگر نامه می‌فرماید:

وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِبًا تَعْتَمُ أَكْلَهُمْ، فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَحَّ لَكَ فِي الدِّينِ، وَإِمَّا نَظَرَ لَكَ فِي الْخَلْقِ، يُفْرَطُ مِنْهُمُ الزَّلُّ، وَتَعْرِضُ لَهُمُ الْعِلُّ، وَيُؤْتَى عَلَى أَيْدِيهِمْ فِي الْعَمْدِ وَالْخَطِّ، فَأَعْطِهِمْ مِنْ عَفْوِكَ وَصَفْحِكَ مِثْلَ الَّذِي تُحِبُّ أَنْ يُعْطِيَكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَصَفْحِهِ.

امام (ع) در این فراز از نامه، فرماندار را از خوردن مال مردم همچون درنده‌ای باز می‌دارد و آنان را برادران دینی و هم‌سنخ او معرفی کرده، با ایشان توصیه می‌کند که همان‌گونه که علاقه داری خداوند بخشش و چشم‌پوشی را به تو عنایت نماید رعیت را مورد عفو و چشم‌پوشی قرار بده. عبارات فوق بر مهربانی، رحمت و عطوفت کارگزار بر توده مردم تاکید دارد که براساس فطرت انسانی تألیف قلوب از آیات و نشانه‌های الهی است که بدون آن حیات دسته‌جمعی و اجتماعی محقق نمی‌شود. آنچه در این نامه، خاصه در عبارات فوق متمایز می‌نماید این است که امام (ع) در یک فضای عاطفی با مخاطبش (مالک و توده مردم و مومنین) رابطه گفت و شنودی برقرار می‌کند و به مخاطب خود می‌آموزد که شرط برقراری یک دیالوگ منطقی، ایجاد رأفت و محبت میان طرفین و توجه و عنایت به دیدگاه‌های آنان و گذشت از خطاهای مردم است.

### گفتگو با گروه‌های مختلف

بعضی از اندیشمندان مراحل مختلف تکوین‌گفتمان را از دریچه تحولات اجتماعی و سیر تکامل بشری دیده‌اند. گفته شده که سیر رشد «پیام»، چهار دوران را پشت سر نهاده است:

- ۱- مرحله باستانی: در این مرحله پیام در حوزه‌ای بسته سیر می‌کند و جایی برای تولید پیام از جانب پیامگیر نیست. انواع مختلف متون ادبی از افسانه و حکایت و اسطوره گرفته تا لطیفه‌ها و قصه‌های عامیانه، همه از ویژگی‌های یکسانی برخوردارند.
- ۲- مرحله سنتی: در این مرحله، جامعه‌گرایی به ساختن انسان‌هایی دارد که از درون هدایت می‌شوند. در این مرحله «فرد» نقش می‌گیرد و توجیه عقلانی کم‌کم قدم به عرصه می‌گذارد.
- ۳- مرحله مدرن: این مرحله، هم‌زمان است با حلّ جامعه سنتی در جامعه مدرن و صنعتی. در این مرحله انسان از بیرون هدایت‌شونده پدید می‌آید، نقش تولیدکننده پیام و نویسنده کاهش می‌یابد و در عوض گیرنده پیام و خواننده اهمیت می‌یابد.

۴- مرحله پسامدرن: در این مرحله خواننده نیز قدر و ارزش خود را از دست می‌دهد و ساختارهای ذهنی و زبانی جایگزین آن می‌شود. (فردوسی، ۱۳۷۶: ۴۵) ژاک دریدا فیلسوف فرانسوی در باب مقایسه تک زبانی و چند زبانی می‌گوید: «حرکت از مونولوگ به سوی پولی‌لوگ، حرکت از توتالیتراریسم نویسنده تک زبانه به سوی دموکراسی شخصیت‌های چندزبانه، و حرکت از موقعیت‌های مونولوژیک به سوی مواضع دیالوژیک». (براهنی، ۱۳۷۳: ۲۳۵) با توجه به این دیدگاه و گفتگوهای درج شده در نامه ۵۳ نهج البلاغه که با گروه‌های گوناگون صورت پذیرفته است، شاید بتوان نهج البلاغه و نامه ۵۳ در آن را از آثار ویژه «چند زبانی» در میان متون کهن و متون دینی در تاریخ قلمداد کرد.

امام علی (ع) هم در حیات عملی خود و هم در خطبه‌ها و نامه‌های خویش بر لزوم اهمیت مکالمه و گفتگو تاکید می‌کرد. خاصه آنجا که در باب اهمیت گفتگو خطاب به مالک می‌نویسد: «وَأَكثَرُ مُدَارَسَةِ الْعُلَمَاءِ وَمُنَافَاةِ الْحُكَمَاءِ فِي تَثْبِيْتِ مَا صَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرٌ بِإِدْرَاكِ وَإِقَامَةِ مَا اسْتَقَامَ بِهِ النَّاسُ قَبْلَكَ» (نامه/ ۵۳) با دانشمندان فراوان گفتگو کن و با حکیمان فراوان سخن در میان نه، در آنچه کار شهرهایت را استوار دارد و نظمی را که مردم پیش از تو بر آن برقرار بوده‌اند. حال به برخی از مکالمه‌ها و دیالوگ‌هایی که امام (ع) در نامه ۵۳ با گروه‌های مختلف انجام داده است می‌پردازیم:

**گفتگو با مشاوران:** «لَا تُدْخِلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ بَخِيلاً نَعْدِلُ بِكَ عَنِ الْفَضْلِ، وَبِعَدْلِكَ الْفَقْرَ.» (نامه/ ۵۳) در امور خود بخیل را وارد مشورت نکن که تو را از بخشش مانع گردد و از تهی دستی می‌ترساند.

**گفتگو با وزیران:** «إِنَّ شَرَّ وُزَرَائِكَ مَنْ كَانَ لِلْأَشْرَارِ قَبْلَكَ وَزِيْرًا، وَمَنْ شَرِكُهُمْ فِي الْآثَامِ.» (نامه/ ۵۳) بدترین وزرای تو وزیری است که قبل از تو وزیر اشرار بوده و در گناهان‌شان شرکت داشته است.

**گفتگو با دانشمندان:** «وَأَكثِرِ مُدَارَسَةَ الْعُلَمَاءِ وَ مُنَافَاةَ الْحُكَمَاءِ» (نامه/ ۵۳) با دانشمندان و اندیشمندان زیاد گفتگو کن.

**گفتگو با سپاهیان:** «فَأَجْنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ حُصُونُ الرَّعِيَةِ، وَزِينُ الْوَلَاةِ وَعِزُّ الدِّينِ، وَسُئُلُ الْأَمْنِ.» (نامه/ ۵۳) پس ارتش به اذن خداوند دژ مردم، زینت حاکمان و ارجمندی دین، و راه‌های امنیت هستند.

**گفتگو با کاتبان:** «تَمَّ أَنْظُرْ فِي حَالِ كُتَّابِكَ، قَوْلٌ عَلَى أُمُورِكَ خَيْرُهُمْ.» (نامه/ ۵۳) سپس در حال نویسندگان و منشیان حکومت دقت کن، و امورات را به بهترین آنها بسپار.

**گفتگو با تاجران و صنعتگران:** «تَمَّ اسْتَوْصِ بِالْتَّجَارِ وَ ذَوِي الصَّنَاعَاتِ، وَ أَوْصِ بِهَمْ خَيْرًا» (نامه/ ۵۳) درباره تاجران و صنعت‌گران، پذیرای سفارش باش و نسبت به آنان سفارش به نیکی کن.

گفتگو با طبقه پائین جامعه: «مُثَمُّ اللهُ اللهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لِاحِيلَةَ هُمْ.» (نامه / ۵۳)

در مورد طبقه پائین اجتماع، از آنان که راه چاره‌ای ندارند از خدا بترس. در تمام فرازهای این گفت و گوها، چیزی که مهم‌تر از همه عیان است، توصیه امام به گفت و گو با اقشار مختلف جامعه و شرکت دادن آنها در امور و گفت و گوهاست و ما شاهد فضای تعاملی، چندصدا و گفت و گو مند هستیم؛ گفتمانی سرشار از برابری، آزادی و مردم سالاری است. این همان منطق گفت و گویی باختین و چندصدایی است.

### گفتار دو سویه

«هر گفتار دو وجه دارد: آن وجهی که از زبان ناشی می‌شود و مکرر است و آن وجهی که از بافت و زمینه گزاره ناشی می‌شود و منحصر به فرد است.» (غنی‌پور و همکاران، ۱۹۳۱: ۱۱۲)

در معنای دیگر، دو صدایی و ویژگی هر کلامی است که نشان می‌دهد هیچ سخنی در انزوا وجود ندارد؛ بلکه همیشه بخشی از یک کل بزرگ‌تر است که برگرفته از بافت عالم زبانی مقدم بر آن است. از آنجا که زبان از دیدگاه باختین پدیده‌ای اجتماعی ایدئولوژیک است، شدیداً تحت تأثیر شرایط مادی اجتماعی است و هیچ گاه نمی‌تواند خنثی یا رها از نیات دیگران باشد. کلمات برای او دست دوم هستند و به دیگران تعلق دارند. (تودوروف، ۱۹۳۹: ۱۰۸) «در هر متنی، گفته وارد یک گفتگو با دیگر متن‌ها می‌شود. این نظری است که یولیا کریستوا، با لذت شناختی و تجرد نظری، از باختین به عاریت می‌گیرد.» (ساموئل، ۲۰۰۵: ۱۰، به نقل از نامور مطلق، ۱۳۸۷: ۳۹۹) خلاصه کلام اینکه منظور باختین از منطق گفتگویی، همان خاصیت بینامتنی است که بعدها ژولیا کریستوا آن را گسترش داده است. (احمدی، ۱۳۷۸: ۱۰۳)

نامه ۵۳ نهج البلاغه از هر دو شکل گفتار دو سویه چه در قالب صداهایی آشکار و مستقیم و چه در قالب بینامتنیت، برای تقویت روند مکالمه‌گرایی بهره‌مند است. از میان مجموع صداها در کنار صدای امام (ع) صداهای دیگری نیز به گوش می‌رسند که بازتاب دهنده روند مکالمه‌گرایی و منطق گفتگویی هستند. نمونه و مثال ملموس برای معنای اول گفتار دو سویه، آنجاست که امام (ع) از زبان پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل می‌کند: «فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ فِي غَيْرِ مَوْطِنٍ: «لَنْ تُقَدَّسَ أُمَّةٌ لَا يُؤَخَّذُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقُّهُ مِنَ الْقَوِيِّ غَيْرَ مُتَعَمِّعٍ.» (نامه / ۵۳) (هرگز پاک و پاکیزه (سعادت‌مند) نگردد آن امتی، که حق ناتوان بدون ترس و لرز از قدرتمند گرفته نشود.) امام (ع) در عین حال که با تعبیر فعل (يقول) گفته پیامبر (ص) را به طور مستقیم نقل نموده است و با این کلام به این مفهوم حیاتی می‌خواهد اشاره کند: امتی که در آن حق ضعیف با مباحثه، گفتگو و مکالمه از زورمند با صراحت و بدون ترس گرفته نشود آن ملت از ظلم و جور و جنایت و هرج و مرج هرگز پاک نخواهد شد؛ بنابراین آنچه امام (ع) و همچنین پیامبر اکرم (ص) فرمودند افزون بر اینکه

دستوری اخلاقی و انسانی و سبب پیشرفت دین و آئین است، جنبه سیاسی هم دارد. و یا آنجا که از زبان خداوند متعال به عنوان زبان برتر در نامه نقل می‌کند: «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صفا/۳) (نزد خدا بسیار مورد غضب است که چیزی را بگوئید که عمل نمی‌کنید). در تفسیر و توضیح این گفتمان باید گفت: گفت‌وگوگرایی از منظر گفتار دوسویه یا همان بیامتنیت در کلام امام علی(ع) جاری است؛ بدین گونه که با استفاده از کلام پیامبر و آیات قرآن، با آنها تعامل ایجاد کرده و موجب شکل‌گیری فضای گفت‌وگویی شده و باعث ایجاد چندصدایی در نهج البلاغه شده است و آن را تبدیل به متنی اجتماعی کرده است.

کل نهج البلاغه خاصه نامه ۵۳، از این عنصر ارتباطی مکالمه‌گرایی سرشار است. باختین از بینامتنیت با عنوان مکالمه یاد می‌کند که مکالمه یا گفتگومندی رابطه ضروری هر پاره گفتار یا پاره گفتارهای دیگر اطلاق می‌شود. از نظر باختین هر پاره گفتار می‌تواند مجموعه‌ای از نشانه‌ها خواه یک گفته، شعر، ترانه، نمایش و خواه یک فیلم اشاره کند. در واقع هر متنی محل تقاطع متون دیگر است. (ساسانی، ۱۳۸۴: ۴۴)

امام (ع) به مالک سفارش کرده است که هنگام سرکشی نفس، جلویش بایستد و آن را بازدارد و این دستور به فضیلت صبر و شکیبایی از پیروی هوای نفس است و خود فضیلتی در تحت فضیلت عفت و پاکی است. و از آن‌جا عبارت «إِنَّ النَّفْسَ أَمَارَةٌ بِالسَّوِّءِ إِلَّا مَا رَحِمَ اللَّهُ». (نامه/۵۳) بر حذر داشته است که این عبارت برگرفته از آیه مبارکه «وَمَا أُبْرئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَارَةٌ بِالسَّوِّءِ إِلَّا مَارِحِمَ رَبِّي». (یوسف/۵۳) است که با قراردادن واژه الله به جای ربی و حذف «مَا أُبْرئُ نَفْسِي» از اول آیه بدون این‌که جوهره و حیانی آن تغییر یابد با کلام الهی ارتباط برقرار کرده تا اینکه صدای خداوند متعال به عنوان صدای برتر در خلال دیگر صداها به گوش رسد.

و به عنوان یک نمونه دیگر امام علی (ع) با اعمال تغییر در سیاق شرطی آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنصَرُوا لِلَّهِ يَنصِرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد/۷) با سیاق اخباری به مالک سفارش می‌کند که در نبرد با دشمن، مبارزه با منکرات، خداوند سبحان را با دست، دل و زبانش یاری کند و می‌گوید: «وَأَنْ يَنْصُرَ اللَّهُ شُبْحَانَهُ بِقَلْبِهِ وَيَدِهِ وَلِسَانِهِ فَإِنَّهُ جَلَّ إِسْمُهُ قَدْ تَكْفَّلَ بِنَصْرِ مَنْ نَصَرَهُ» و با عبارت «قَدْ تَكْفَّلَ بِنَصْرِ مَنْ نَصَرَهُ» (نامه/۵۳) او را به یاری خداوند وادار کرده همان طوری که در آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنصَرُوا لِلَّهِ يَنصِرْكُمْ» (محمد/۷) آمده است. بنابراین متن با اندکی تغییر در سیاق و صیغه خود در کلام امام (ع) حضور یافته و با توجه به روابط بینامتنی با کلام برتر خداوند ارتباط برقرار کرده است.

## کرونوتوپ

کرونوتوپ در نظریه باختین، به معنای الگوی زمانی و مکانی و مجموعه مشخصه‌های زمان و مکان ارائه شده در هر نوع ادبی است. (شمیسا، ۱۳۷۸: ۱۶۷) باختین در مطالعه انواع ادبی بر عنصر زمان و مکان تأکید دارد و معتقد است «هر نوع ادبی، تصویری متفاوت از واقعیت بر حسب زمان و مکان ارائه می‌کند و آثاری که دارای ویژگی گفتگومند هستند، کرونوتوپ زندگی جامعه خود را بیان می‌کنند.» (نامور مطلق، ۱۳۸۷: ۴۰۹) سخنان امام (ع) در نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر بازتابی است از واقعیت‌های زمانی و مکانی که امام (ع) و جامعه اسلامی بعد از پیامبر (ص) با آن روبرو بوده است. و نامه ۵۳ بازتاب دهنده نگرش امام (ع) به حوادث زمان خود است و مفاهیمی همچون انسان‌شناسی، هستی‌شناسی، ظلم‌ستیزی، بیداری، جهاد، مبارزه و غیره در آن دیده می‌شود که از مؤلفه‌های هویتی رسالت امام (ع) به شمار می‌آیند؛ به عنوان نمونه آنجا که امام (ع) می‌فرماید:

«هَذَا مَا أَمَرَ بِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، مَالِكَ بْنِ الْحَارِثِ الْأَشْجَرِيِّ فِي عَهْدِهِ إِلَيْهِ، حِينَ وُلَّاهُ مِصْرَ. جَبَايَةَ خَرَاجِهَا، وَجِهَادَ عَدُوِّهَا، وَاسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا، وَعِمَارَةَ بِلَادِهَا.» (این فرمانی است که بنده خدا امیرالمؤمنین در پیمان‌ش به مالک بن حارث اشتر زمانی که او را به فرمانروایی مصر برگزید دستور داد، تا مالیات‌های آن را جمع کند، و با دشمنش جهاد نماید، و به اصلاح اهلیش برخیزد، و شهرهایش را آباد سازد.) کلام امام علی(ع) بازتابی از واقعیت‌ها و شرایط مکانی و زمانی عصر خود است. و کلام او نشانگر توجهش به اتفاق‌های شرایط زمانه‌اش است؛ از جمله آنها، موضوع خراج است؛ خراج به معنای مالیات سرزمین‌هایی است که در جنگ‌ها به دست مسلمانان فتح می‌شد. حضرت هنگامی که مالک اشتر را به فرمانروایی مصر منصوب می‌کند دستور می‌دهد تا خراج آنجا را گرد آورد و با دشمنانش پیکار کند و کار مردمش را به صلاح آورد و شهرهایش را آباد سازد.

نمونه دیگر از کرونوتوپ و ویژگی مکانی و زمانی نامه ۵۳، وجود حاکمان عدل و جور قبل از فرمانداری مالک اشتر است که امام(ع) به لزوم توجه به این مسأله تأکید می‌کند «أَيُّ قَدْ وَجَّهْتُكَ إِلَى بِلَادٍ قَدْ جَرَتْ عَلَيْهَا دُولٌ قَبْلَكَ مِنْ عَدْلِ وَ جَوْرِ، وَأَنَّ النَّاسَ يَنْظُرُونَ مِنْ أُمُورِكَ فِي مِثْلِ مَا كُنْتَ تَنْظُرُ فِيهِ مِنْ أُمُورِ الْوَلَاةِ قَبْلَكَ» (تو را به شهرهایی روانه کردم که پیش از تو فرمانرواییانی در آن به عدالت و ستم حکومت کردند، و مردم به وضع تو به همان صورت می‌نگرند که تو به حاکمان پیش از خود می‌نگریسته‌ای) در این بخش از سخنان خود از باب مقدمه به وضع کشور مصر - اشاره می‌کند که پیش از تو حکومت‌های عدل و ظلم داشت؛ سپس به این مطلب مهم اشاره می‌فرماید: که معیار سنجش حکومت‌ها از نظر عدل و جور، افکار عمومی توده مردم است.

## گزاره‌های خطابی

گزاره‌های خطابی، بخش قابل توجهی از خطبه‌ها و نامه‌های امام (ع) را به خود اختصاص داده است. مخاطب در این جمله‌ها، گاه به صورت مستقیم و گاه غیرمستقیم مورد خطاب قرار می‌گیرد. در هر گفتگویی سه عامل وجود دارد. ۱- فرستنده یا متکلم که سخن را تولید می‌کند. ۲- مخاطب که کلام را دریافت می‌کند. ۳- کلامی که میان متکلم و مخاطب رد و بدل می‌شود. اگر سه عامل تحقق گفتگو برابر سه شخص: اول شخص «من»، دوم شخص «تو»، سوم شخص «او» قرار داده شود، منطق طبیعی گفتار چنین می‌شود. من (متکلم) درباره او (کسی یا چیزی) با تو (مخاطب) سخن می‌گویم که می‌توان وجوه مختلف منطق طبیعی گفتار را برحسب موضوع سخن، بدین شکل قرار داد: ۱- من درباره او با تو سخن می‌گویم. (رابطه ۱ در آثار حماسی). ۲- من درباره تو با تو سخن می‌گویم. (رابطه ۲ در آثار تعلیمی). ۳- من درباره من با تو سخن می‌گویم. (رابطه ۳ در آثار غنائی). از میان این سه رابطه، در رابطه دوم «تو» با مخاطب به طور مستقیم در سخن طرف خطاب قرار می‌گیرد که در این صورت سخن، یک مخاطب مستقیم دارد و یک مخاطب غیرمستقیم دارد که شامل تمام خوانندگان اثر می‌شود. (پورنامداریان، ۱۳۸۵: ۱۸) جملات ندایی از جمله زمینه‌هایی است که در آن سخنور به طور مستقیم با "تو" مخاطب وارد مکالمه می‌شود و آن را مورد خطاب قرار می‌دهد. کاربرد این گزاره‌ها در نامه نهج البلاغه ۵۳، از بسامد چشمگیری برخوردار است.

در بعضی از خطبه‌ها و نامه‌های اولیه امام (ع) که دارای مفاهیم اجتماعی و سیاسی بوده مخاطب به صورت غیرمستقیم مورد خطاب قرار می‌گیرد اما در نامه ۵۳ مضمون خطاب‌ها بیشتر مسائل مدیریتی و تعلیمی است، مخاطب به صورت مستقیم مورد خطاب قرار می‌گیرد؛ به عنوان مثال آنجا که امام (ع) به ضرورت خودسازی امر می‌کند: «فَلْتَكُنْ أَحَبَّ الدَّخَائِرِ إِلَيْكَ ذَخِيرَةُ الْعَمَلِ الصَّالِحِ.» و هم‌چنین از غرور و خودپسندی باز می‌دارد و می‌گوید: «إِيَّاكَ وَ مُسَامَاةَ اللَّهِ فِي عَظَمَتِهِ، وَالتَّشْبُهَةَ بِهِ فِي جَبْرُوتِهِ.» تا این‌که مالک را به مردم‌گرایی و حق‌گرایی توصیه می‌کند: «وَلْيَكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ، وَأَعْمُهَا فِي الْعَدْلِ وَأَجْمَعُهَا لِرِضَى الرَّعِيَّةِ.» نیز او را به ضرورت راز داری فرا می‌خواند: «وَلْيَكُنْ أَبْعَدَ رَعِيَّتِكَ مِنْكَ، وَأَشْنَأَهُمْ عِنْدَكَ، أَطْلُبُهُمْ لِمَصَائِبِ النَّاسِ فَإِنَّ فِي النَّاسِ عَيْوَبًا، الْوَالِيَّ أَحَقُّ مِنْ سَرْتَرَاهَا.» و هم‌چنین جایگاه صحیح مشورت را به او گوشزد می‌کند: «وَلَا تُدْخِلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ بَخِيلًا يَعْدِلُ بِكَ عَنِ الْفَضْلِ وَيَعِدُّكَ الْفَقْرَ ...» و هم‌چنین با الگوی ندایی خطابی اصول روابط اجتماعی رهبران را بیان می‌دارد: «وَالصَّقُّ بِأَهْلِ الْوَرَعِ وَالصَّدَقُ ثُمَّ رُضُّهُمْ عَلَى أَلَا يُطْرُوكَ وَلَا يَجْحُوكَ بِبَاطِلٍ لَمْ تَفْعَلْهُ.» و سپس اقشار و طبقات گوناگون اجتماعی را برای مالک نام می‌برد: «وَأَعْلَمُ أَنَّ الرَّعِيَّةَ طَبَقَاتٌ لَا يَصْلُحُ بَعْضُهَا إِلَّا بِبَعْضٍ وَلَا غِنَى بِبَعْضِهَا عَنْ بَعْضٍ فَمِنْهَا جُنُودُ اللَّهِ، وَمِنْهَا كُتَّابُ الْعَامَةِ وَالْخَاصَّةِ، وَمِنْهَا قُضَاةُ الْعَدْلِ وَمِنْهَا عُمَّالُ الْإِنصَافِ وَالرِّفْقُ وَمِنْهَا التَّجَارُ وَأَهْلُ



الصِّنَاعَاتِ وَمِنْهَا الطَّبَقَةُ السُّفْلَى وَ مِنْ ذَوِي الْحَاجَةِ وَالْمَسْكِنَةِ". سپس اخلاق اختصاصی رهبری را بازگو می‌کند: «تُمْ أُمُورٌ مِنْ أُمُورِكَ لَا بُدَّ لَكَ مِنْ مُبَاشَرَتِهَا مِنْهَا إِجَابَةٌ عَمَّا لَكَ...» و سپس به بیان اخلاق رهبری با خویشاوندان می‌پردازد: «تُمْ إِنَّ لِلْوَالِي خَاصَّةً وَبَطَانَةً، فِيهِمْ إِسْتِنْتَارٌ وَتَطَاوُلٌ، وَقَلَّةٌ إِنْصَافٍ فِي مُعَامَلَةٍ، فَاحْسِمِ مَادَّةَ أَوْلَيْكَ بِقَطْعِ أَسْبَابِ تِلْكَ الْأَحْوَالِ.» و نیز روش برخورد با دشمن را به مالک توصیه می‌کند: «وَأَلَّا تَدْفَعَنَّ صُلْحًا دَعَاكَ إِلَيْهِ عَدُوُّكَ وَلِلَّهِ فِيهِ رِضَى فَإِنَّ فِي الصُّلْحِ دَعَةً لِمَنْ جُنُودَكَ وَرَاحَةً مِنْ هُمُومِكَ وَأَمْنًا لِلْبِلَادِكِ.» در پایان به او هشدارهایی را اعلام می‌کند: «إِيَّاكَ وَالِدِّمَاءَ وَسَفْكَهَا بَغَيْرِ جَلِّهَا وَ إِيَّاكَ وَ الْإِعْجَابَ بِنَفْسِكَ وَ إِيَّاكَ وَالْعَجَلَةَ بِالْأُمُورِ قَبْلَ أَوَانِهَا وَ إِيَّاكَ وَ الْإِسْتِنْتَارَ بِمَا لِلنَّاسِ فِيهِ أَسُوءَةٌ...» (نامه/۵۳)

خطاب‌های پیاپی این چنینی از جانب امام (ع) در نقش رهبر و پیشوای اسلام و مسلمین که به امور اسلامی و انسانی امر و از امور غیرانسانی و اسلامی نهی می‌کند به نیکی توانسته است میان گوینده و شنونده، پیوند و ارتباط صمیمی برقرار کند و از طرف دیگر نشان دهنده آن است که در کنار امام (ع) در جایگاه گوینده، کلام شخصیت دیگری نیز وجود دارد که زمینه ساز برقراری ارتباط و مکالمه است.

## کارناوال

در دوره حاکمیت استبداد استالینی که با تک‌گویی، حاکمیت ایدئولوژی جزم اندیش، شادی ستیز، خشک و رسمی و فقدان آزادی همراه است، باختین در عرصه نظریه و در آثار خویش سرود ستایش مکالمه، خنده و آزادی را سر می‌دهد. (پوینده، ۱۳۸۱: ۱۴) بدین گونه فضای کارناوالی در گستره ادبیات نمود ویژه‌ای می‌یابد. کارناوال یک جشن و یا می‌توان گفت یک رژه همگانی در خیابان است. در فرهنگ نامه دهخدا، کارناوال یک واژه ی فرانسوی به معنای کاروان شادی است که در ایام معینی از هر سال در ممالک مختلف برای تفریح حرکت دهند. این امر به تقلید از اروپا در ایران نیز معمول و سپس متروک شد. (دهخدا، ۱۳۳۴، ۱۱/۱۵۸۴۹) کارناوال از نگاه باختین، معنا و دلالتی متمایز با معنای تاریخی آن دارد و صرفاً به جشن و شادی پیمایی اطلاق نمی‌شود. «در وهله نخست برابر شدن افراد در ضمن آن و فروپاشی نظام سلسله مراتبی آن روزگار، مورد توجه باختین است.» (امن‌خانی، ۱۹۳۱: ۱۳۹) ایشان در بخشی از نامه ۵۳، «أَمْرُهُ بِتَقْوَى اللَّهِ وَإِثَارِ طَاعَتِهِ وَ اتِّبَاعِ مَا أَمَرَ بِهِ فِي كِتَابِهِ مِنْ فَرَائِضِهِ وَ سُنَنِهِ الَّتِي لَا يَسْعُدُ أَحَدٌ إِلَّا بِاتِّبَاعِهَا وَلَا يَشْقَى إِلَّا مَعَ جُحُودِهَا وَإِضَاعَتِهَا» مالک اشتر فرماندار مصر را تنها به پیروی از امر الهی دستور داده و اینکه اطاعت خدا را بر دیگر کارها مقدم دارد، و آنچه در کتاب خدا آمده، از واجبات و سنت‌ها را پیروی کند، در بخشی دیگر: «وَأَنَّ النَّاسَ يَنْظُرُونَ مِنْ أُمُورِكَ فِي مِثْلِ مَا كُنْتَ تَنْظُرُ فِيهِ مِنْ أُمُورِ الْوَلَاةِ قَبْلَكَ وَيَقُولُونَ فِيكَ مَا كُنْتَ تَقُولُ

فِيهِمْ وَ إِنَّمَا يُسْتَدَلُّ عَلَى الصَّالِحِينَ بِمَا يُجْرِي اللَّهُ هُمَّ عَلَى أَلْسِنِ عِبَادِهِ» امام می‌فرماید: و مردم در کارهای تو چنان می‌نگرند که تو در کارهای حاکمان پیش از خود می‌نگری، و در باره تو آن می‌گویند که تو نسبت به زمامداران گذشته می‌گویی، و همانا نیکوکاران را به نام نیکی توان شناخت که خدا از آنان بر زبان بندگان جاری ساخت. در اینجا، آن حضرت، برابری افراد را متذکر شده و دیوار نظام سلطه‌گری را برایش فرو می‌ریزد و او را به توجه به مردم و مصالح آن‌ها فرا می‌خواند.

### نتیجه گیری

مهم‌ترین نتایج این پژوهش را می‌توان به صورت زیر دسته بندی کرد:

امام علی (ع) در نامه ۵۳ نهج البلاغه با بهره‌گیری از میراث اسلامی و تاریخی و شگردهای مختلف ادبی، باعث فضا سازی گفتمان مدیریتی جامعه زمان خویش شده است. از این رو می‌توان نامه ۵۳ نهج البلاغه را با تکیه بر آموزه‌های نقد ادبی مدرن، خاصه منطق گفتگویی باختین مورد مطالعه و بررسی قرار داد.

امام (ع) از تمامی ساز و کارها و اصول منطق گفتگویی استفاده کرده است. استفاده از مکالمه و گفتگوی مخاطب با نویسنده و متن، مکالمه و گفتگوی نویسنده با خواننده، آوای الفاظ، روش مکالمه و زاویه دید، مکالمه و گفتگو با گروه‌های مختلف، گفتار دو سویه، کرونوتوپ، کاربرد ضمیر، و کارناوال و غیره از موارد کاربردی در گفت و گوی نامه ۵۳ نهج البلاغه است.

با نگرش به آراء باختین، چندصدایی بودن یک متن به معنای حضور صداهای دیگر در کنار صدای نویسنده در متن است. بررسی نامه ۵۳ نهج البلاغه در کنار صدای امام (ع)، صدای مخاطب، شخصیت‌ها و خواننده و حتی صدای توده مردم اعم از مؤمنان و مسلمانان زمان امام (ع) ملاحظه می‌شود که در متن نامه بازتاب پیدا کرده است. در تمام فرازهای گفت و گوها، امام به گفت و گو با اقشار مختلف جامعه و شرکت دادن آنها در امور و گفت و گوها توصیه می‌کند و ما شاهد فضای تعاملی، چندصدای و گفتمانی سرشار از برابری، آزادی و مردم سالاری هستیم.

امام علی (ع) در نامه ۵۳، از تمامی گزاره‌های گفتگویی از جمله پرسشی، امری، ندایی و خطابی و گفتار دو سویه بهره برده است که گزاره کاربرد ضمیر (من - تو - او) برجسته ترین و پربسامدترین آنهاست که بر ماهیت گفتگوگرایی کلام امام دلالت دارد.

از آنجایی که امام علی (ع) در جایگاه و مقام رهبری و ولایت جامعه اسلامی واقع شده بود، متن نامه ۵۳ امام به مالک اشتر در بردارنده مضامین کشورداری و مملکت داری است؛ از این رو بیانگر کرونوتوپ عصر امام و حاوی ویژگی‌های منطق گفتگویی است.

چنانکه در متن مقله هم اشاره شد امام (ع) مکالمه و گفتگو را به عنوان یکی از ابزارها و راهکارهای اساسی جهت رسیدن به حکومت و حاکمیت مردمی و حق و حقوق و آزادی می‌داند.

## منابع

قرآن کریم.

- احمدی، بابک. (۱۳۷۸). *ساختار و تأویل متن*. تهران: نشر مرکز.
- امن خانی، عیسی. (۱۹۳۱). *تب تند باختین در ایران*. نشریه نقد ادبی، ۵(۱۳)، ۱۹۱-۱۹۷.
- انصاری، منصور. (۱۳۸۴). *دموکراسی گفت‌وگویی: امکانات دموکراتیک اندیشه‌های میخائیل باختین و یورگن هابرماس*. تهران: مرکز.
- باختین، میکائیل. (۱۳۸۴). *زیباشناسی و نظریه رمان* (ترجمه آدین حسین‌زاده). تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات هنری.
- باختین، میکائیل. (۱۳۹۴). *تخیل مکالمه‌ای* (ترجمه رویا پوراآذر). تهران: نشر نی.
- براهنی، رضا. (۱۳۷۳). *رویای بیدار* (چاپ اول). تهران: نشر قطره.
- پورنامداریان، تقی. (۱۳۸۵). *منطق گفتگو و غزل عرفانی*. مطالعات عرفانی، ۳، ۱۵-۳۰.
- پوینده، محمد جعفر. (۱۳۸۱). *سودای مکالمه، خنده، آزادی: میکائیل باختین*. تهران: نشر چشمه.
- تودوروف، تزوتان. (۱۹۲۹). *منطق گفتگویی میخائیل باختین* (ترجمه داریوش کریمی). تهران: نشر مرکز.
- دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۸۳). *تفسیر موضوعی نهج‌البلاغه*. قم: نشر معارف.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۳۴). *لغت نامه دهخدا*. تهران: روزنه.
- ساسانی، فرهاد. (۱۳۸۴). *عوامل موثر در تفسیر و فهم متن: تفسیرگری پیوستاری* (پایان‌نامه دکتری). تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۸). *نقد ادبی* (چاپ اول). تهران: فردوس.
- شه‌کلاهی، فاطمه، و فهیمی‌فر، اصغر. (۱۴۰۰). *بررسی مفهوم چندصدایی و گفتگومندی میخائیل باختین در نگاره‌های رضا عباسی*. نگره، ۱۶(۵۹)، ۷۵-۸۹.
- شهیدی، سید جعفر. (۱۳۸۰). *نهج‌البلاغه* (چاپ بیست و یکم). تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- غلامحسین‌زاده، غریب‌رضا، و غلام‌پور، نگار. (۱۳۸۷). *میکائیل باختین: زندگی، اندیشه‌ها و مفاهیم بنیادی*. تهران: نشر روزگار.
- غنی‌پور ملک‌شاه، احمد، محسنی، مرتضی، و حقیقی، مرضیه. (۱۳۹۴). *دگردیسی منطق گفتگویی در اشعار قیصر امین‌پور*. مجله متن پژوهی، ۱۹(۶۴)، ۱۶۶-۱۸۸.
- فردوسی، حمیدرضا. (۱۳۷۶). *پست‌مدرنیسم و نشانه‌شناسی در ادبیات داستانی*. مشهد: نشر سپاوش.
- قنبری همدانی، حشمت‌الله. (۱۳۹۹). *آیین زمام‌داری و مدیریت: شرح و تفسیر نامه ۵۳ نهج‌البلاغه*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- کریمی‌نیا، محمد مهدی. (۱۳۸۷). *گفتگو در قرآن کریم*. قم: موسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.
- مری کلیگز. (۱۳۸۹). *میخائیل باختین: نظریه رمان* (ترجمه وحید ولی‌زاده). دریافت‌شده از <https://www.hamshahrtraining.ir/article>
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۹۰). *پیام امام‌امیرالمؤمنین (ع): شرح تازه و جامعی بر نهج‌البلاغه*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.

نامور مطلق، بهمن. (۱۳۸۷). باختین: گفتگومندی و چندصدایی، مطالعه پیشا بینامتنیت باختینی. پژوهش‌نامه علوم انسانی، ۵۷، ۳۹۷-۴۱۴.

Rabatel, Alain . (2006). La diabolisation au Coeur ducouple polyphonie/ dialogisme. Ehez Bakhtin. Revue. Romane.

Sterian, Dan. (2015). Mikhail Bakhtine et la dimension hermeneuigie du dialogisme litteraire linguistlgue.